

*** بازتاب دگرگونی گفتمانی طبقه متوسط ایران در فیلم‌های اصغر فرهادی**
(مطالعه موردی: چهارشنبه‌سوری، درباره‌الی، جدایی نادر از سیمین)

ارسلان مقدس^۱، علی شیخ‌مهدی^۲

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی^۳ و براساس نظریات نورمن فرکلاف^۴ به تحلیل جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم‌های چهارشنبه‌سوری (۱۳۸۴)، درباره‌الی (۱۳۸۷) و جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹) می‌پردازد. بازنمایی جایگاه طبقاتی شخصیت‌ها بر مبنای الگوی کلان اقتصاد سیاسی و بر اساس نظریات اریک اولین رایت^۵ در زمان تولید و مصرف این فیلم‌ها صورت گرفته است. مناسبات قدرت در ساختار اجتماع و اقدامات مربوط به توسعه کشور ایران به شکاف طبقاتی منجر شد و نتیجه آن، نابرابری بهره‌مندی از امکانات رفاهی در بازه زمانی تولید و نمایش فیلم‌های مورد بررسی است که بازنمایی آن را در فیلم‌های یادشده شاهدیم. پس از بیان تمایز میان طبقه متوسط و حاشیه‌نشینان بر مبنای مالکیت بر ابزار تولید، تخصص و مدیریت، با روش تحلیل گفتمان انتقادی با تکیه بر روابط نابرابر قدرت از طریق امور ایدئولوژیک، چنین نتیجه‌ای حاصل شده است که نحوه بازنمایی شخصیت‌های فیلم‌های مذکور، بازتولیدی از گفتمان ایدئولوژیک غالب است و در تقابل با حاشیه‌نشینان جامعه قرار دارد و آنان را به مثابه تهدید برای خویش می‌داند.

واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، اصغر فرهادی، طبقه متوسط ایران، چهارشنبه‌سوری، درباره‌الی، جدایی نادر از سیمین.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۷

* این مقاله از پایان‌نامه دفاع‌شده در بهمن ۱۳۹۵ نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه تربیت مدرس استخراج شده است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته سینما، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس Arsalan.moghadass@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه انیمیشن و سینما، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). ali.sheikhmehdi@modares.ac.ir

3. critical discourse analysis

4. Norman Fairclough

5. Erick Olin Wright

۱. بیان مسئله

با تغییر رویکردهای کلان حکومت ایران و رؤسای جمهور در دهه ۱۳۸۰ به مسائل اقتصادی و همچنین تغییرات گفتمان غالب، تغییراتی در مالکیت بر ابزار تولید در سطوح اجتماعی صورت گرفت که بر روی وضع معیشتی و جایگاه طبقاتی مردم جامعه تأثیر گذاشت. با تغییر مناسبات اقتصادی، روبنای فرهنگی و به تبع آن، گفتمان‌ها هم دستخوش تغییر می‌شوند، زیرا «روشی که جامعه، تولیدات اقتصادی و ماهیت روابط تثبیت شده بین طبقات اجتماعی را سازماندهی می‌کند، ویژگی‌های ساختاری‌ای هستند که سایر [ساختارها] را تعیین می‌کنند» (فرکلاف^۱، ۱۹۸۹: ۳۲). این ویژگی‌های ساختاری، زیربنای اقتصادی هستند و این عناصر زیربنایی نقش تعیین‌کننده دارند (آلتوسر، ۱۹۷۱: ۱۳۴). رابطه زیربنا-روبنای یک‌سویه نیست، بلکه تقابلی است. گفتمان‌های موجود، تحت تأثیر شرایط اقتصادی و ایدئولوژیک حاکم بر جامعه، با تغییر وضع اقتصادی، دچار دگرگونی می‌شوند.

با اتکا به رویکرد بازتابی در مطالعات جامعه‌شناختی هنر، فیلم‌های سه‌گانه اصغر فرهادی یعنی چهارشنبه‌سوری، درباره‌الی و جدایی نادر از سیمین که در این مقاله مطالعه می‌شوند، همگی به بازتابی طبقه متوسط و تقابل آنها با جمعیت حاشیه‌نشین و اقشار^۲ فرودست جامعه می‌پردازند.

تغییرات اقتصادی و گفتمانی صورت گرفته در این دهه، جایگاه طبقه متوسط را چه به لحاظ معیشتی و چه از نظر میزان رضایت از جایگاه فردی متزلزل ساخت. نمود این تغییر را در شخصیت‌های فیلم‌های مذکور و همچنین شیوه روایت (فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی) می‌توان مشاهده کرد. برای بررسی چنین گسستی با استفاده از آرای فرکلاف و مباحث

1. Fairclough
2. strata

مربوط به تحلیل طبقاتی مبتنی بر نظریات رایج و مفاهیم مربوط به طبقه متوسط و چگونگی تقابل آن با پدیده حاشیه‌نشینی، به تحلیل این فیلم‌ها خواهیم پرداخت. تاکنون مقالات و پایان‌نامه‌هایی براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی درباره فیلم‌های اصغر فرهادی نوشته شده است، ولی پژوهشی علمی در خصوص تقابل آرمان‌های طبقه متوسط و حاشیه‌نشینان در فیلم‌های این فیلم‌ساز صورت نگرفته است. اهداف این مقاله موارد زیر هستند:

۱. شناسایی تقابل طبقه متوسط ایران با طبقات حاشیه‌ای در الگوهای توسعه اجتماعی؛

۲. نشان دادن بدتر شدن وضع معیشتی طبقات فرودست و بازنمایی ایدئولوژیک آن در فیلم‌ها

و موارد زیر به‌عنوان سؤالات این مقاله محسوب می‌شوند:

۱. روابط متقابل بین جمعیت حاشیه‌نشین و طبقه متوسط در کلان‌شهرها چگونه است؟

۲. دگرگونی‌های گفتمانی در آثار اصغر فرهادی چگونه متبلور شده‌اند؟

فیلم‌های مورد پژوهش در زمان وقوع تغییرات اقتصادی و به تبع آن تحولات گفتمانی در جامعه، وضعیت تراژیک طبقه متوسط ایران و تقابل آنان با حاشیه‌نشینان را بازنمایی می‌کنند.

فرهنگ و هنر همچون آینه‌ای بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی و اقتصادی زمان خویش هستند (نظریه بازتاب). این رویکرد بر نظریات مارکس‌گرایانه استوار است که روبنا را بازتاب زیربنای اقتصادی جامعه می‌داند (الکساندر، ۱۳۹۰). در مورد تأثیر شرایط اقتصادی

و عناصر تعیین‌کننده و مسلط در هر برهه زمانی بر شرایط اجتماعی و روبنایی همچون گفتمان، تأثیر این شرایط زیربنایی بر روبنای فرهنگی و اجتماعی محسوس است. در تحلیل فیلم‌های مورد مطالعه‌ی این مقاله، تبدیل داده‌های کیفی با تعریف شاخص‌های مربوطه، به داده‌های کمی براساس تحلیل طبقاتی و تحلیل گفتمان انتقادی، مورد بررسی قرار گرفته‌است.

۲. مفاهیم کلیدی

۲-۱. طبقه و پایگاه اجتماعی

ساختارهای اجتماعی، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی اعضای جامعه را شکل می‌دهند. جهت‌گیری گفتمان‌ها نیز بر اساس این ساختارها صورت می‌گیرد. «ساختارهای اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ با قدرت و فرایندهای اجتماعی^۱ و کنش‌هایی که به مبارزه اجتماعی می‌انجامد، قرار دارند» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱۶۳). مبارزات اجتماعی، نتیجه تضاد در منافع افراد آن جامعه است که خود را به شکل تعارضات اجتماعی بین گروه‌های عمده اجتماعی نشان می‌دهد. طبقات یک جامعه بر اساس شرایط اقتصادی تعیین می‌شود. از این رو «طبقات مزدبگیران را بر اساس: اول، نسبتی که با سیطره بر تولید^۲ و دوم، مالکیت، مهارت و تخصصی که دارند، تقسیم باید کرد» (رایت، ۲۰۰۰: ۱۶). همان‌طور که رایت مطرح می‌کند، طبقات اجتماعی نه فقط بر اساس میزان سلطه‌شان بر تولید بلکه همچنین، میزان مالکیتشان بر مهارت و تخصص‌هایی که دارند تعیین می‌گردند. این گفته رایت را می‌توان به این صورت بسط داد که در اقتصاد سیاسی، مجموعه‌ای از خصوصیات «مبتنی بر سه

1. social processes

2. authority within production

محور ۱) مالکیت منابع، ۲) مدیریت/ اقتدار سازمانی و ۳) مهارت‌ها/ صلاحیت‌ها ساختار طبقاتی را تشکیل می‌دهند» (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۹). بر این اساس در یک جامعه، طبقات مختلفی را با توجه به نسبتشان با این سه عامل می‌توان شناسایی کرد. بدین منظور نیاز به تحلیل طبقاتی^۱ جامعه است.

«تحلیل طبقاتی بر این عقیده استوار است که طبقه، یک علت اجتماعی فراگیر^۲ است و بنابراین یافتن انشعاب‌های آن از پدیده‌های اجتماعی^۳ بسیار ارزشمند است» (رایت^۴، ۲۰۰۰: ۱).

۲-۲. سنخ‌شناسی طبقه متوسط - خرده‌بورژوا

«طبقه متوسط، مردمی هستند که مالکیتی بر ابزار تولیدشان ندارند و نیروی کار خود را در بازار کار می‌فروشند، اما هنوز به نظر نمی‌رسد که بخشی از طبقه کارگر باشند» (همان: ۱۵). افراد طبقه متوسط را می‌توان به‌عنوان مدیران و سرپرستان «نمایندگانی برای اعمال قدرت طبقه سرمایه‌دار در نظر گرفت تا جایی که آنها، کنش‌هایی را برای تسلط بر تولید به کار می‌برند. به این معنی، آنها را می‌توان هم‌زمان در طبقه سرمایه‌دار و کارگر به‌شمار آورد» (همان: ۱۶). به‌دلیل اعمال قدرت و تسلط بر کارگران، آنها شبیه سرمایه‌داران عمل می‌کنند و به‌دلیل کنترل شدن توسط سرمایه‌داران و استثمار در فرایند تولید، همانند طبقه کارگر، به‌حساب می‌آیند. به همین دلیل، افراد طبقه متوسط، «جایگاه‌های متناقضی را در روابط طبقاتی اشغال می‌کنند» (همان). اصطلاح متناقض یا دوگانه، خصلتی مربوط به طبقه متوسط است. «کسانی که هم کنترل می‌کنند و هم کار هماهنگ‌شده انجام می‌دهند، در واقع

1.class analysis

2.pervasive social cause

3.social phenomena

4.Wright

5.domination within production

در وضع مبهمی قرار دارند، لذا کارکنانی که در واقع در مواضع اعمال مدیریت و انجام دادن کار هماهنگ قرار دارند، هم با هدف سرمایه و هم با هدف کار جمعی احساس هم‌سویی می‌کنند» (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷: ۴۷). گروه‌های اجتماعی شناخته‌شده طبقه متوسط را وکلا، هنرمندان، پزشکان و کارمندان رده‌بالای بخش‌های دولتی و خصوصی، مدیران شرکت‌ها و بانک‌ها و غیره تشکیل می‌دهند. چون یکی از ویژگی‌هایی که افراد این طبقه را از طبقه کارگر متمایز می‌کند، مدیریت و تخصص است، عموماً افراد طبقه متوسط از تحصیلات عالی برخوردارند.

مفهوم نسبتاً جدید طبقه متوسط نزدیکی‌های فراوان با مفهوم خرده‌بورژوازی ۱ در متون جامعه‌شناسی کلاسیک دارد؛ زیرا خرده‌بورژوازی شامل کسانی است که «هم استثمار می‌کنند و هم استثمار می‌شوند» (رایت، ۲۰۰۰: ۱۴). آنها مالک ابزار تولید هستند ولی کسی را در استخدام ندارند. «خرده‌بورژواها، کارکنان مستقل‌اند که هیچ کارکن مزدبگیری را استخدام نمی‌کنند، ولی ممکن است به کارکنان فامیلی بدون مزد، متکی باشند» (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱). مثلاً مغازه‌دار خرده‌فروشی که صاحب مغازه است، کشاورزی که قطعه زمینی کوچک از خود دارد و یا دارنده کارگاهی کوچک که به‌تنهایی یا به کمک کار بی‌مزد اعضای خانواده‌اش مشغول به کار است، همه جزو خرده‌بورژوازی (به معنای سرمایه‌دار کوچک) به حساب می‌آیند که الزاماً به معنای تمکن مالی و زندگی مرفه آنها نیست.

۲-۳. افراد مادون طبقه (حاشیه‌نشینان)

«مادون طبقه^۱ را می‌توان به عنوان دسته‌بندی‌ای از عوامل اجتماعی تعریف کرد که از نظر اقتصادی تحت ستم هستند، اما به‌طور مستمر، توسط نظام طبقاتی^۲ خاصی مورد استثمار قرار نمی‌گیرند» (رایت، ۲۰۰۰: ۲۳-۲۴). این اصطلاح، گاهی به معنای تحقیرآمیز به کار می‌رود که مفهومی نزدیک به لمپن پرولتاریا^۳ که «متشکل است از ولگردان، فواحش، دزدان، اشرار و جانیان، قماربازان، اشخاص نادر فاقد شغل و افراد الکی‌خوش» (مارکس، ۱۳۷۷الف: ۲۴۶) دارد. به بیان دیگر، «انبوه بی‌سروسامان، وارفته و بی‌سرپناه ثابت» (مارکس، ۱۳۷۷ب: ۹۷) که در جایگاه تولید اقتصادی نیستند به‌دلیل سطح پایین زندگی و اینکه عموماً به‌دلیل استفاده از فرصت‌های شغلی (عمدتاً کاذب) به شهرهای بزرگ مهاجرت و در حاشیه کلان‌شهرها زندگی می‌کنند، حاشیه‌نشین یا به‌حاشیه‌رانده‌شده^۴ نیز نامیده می‌شوند. شرکت نداشتن در تولید اقتصادی، نقطه تمایزشان از طبقه کارگر است. «دریوزگی، فقط وضع و حالت پرولتاریای خانه‌خراب‌شده و پایین‌ترین حد سقوط پرولتاریاست که نتوانسته در مقابل فشار بورژوازی تاب آورد، همانا فقط پرولتاریایی که نیرو و توانش به پایان رسیده و به دریوزه‌گر تبدیل شده است» (مارکس، ۱۳۷۷الف: ۲۴۷).

افراد با توجه به طبقه‌ای که در آن زاده می‌شوند، از امکانات آن طبقه برخوردار و یا مشمول محرومیت‌ها خواهند شد. با گذشت چندین دهه از ایجاد زاغه‌ها و حاشیه‌نشین شدن برخی از مردم در همان سال‌های اولیه، فرزندان آنان در محرومیت شدید و نداشتن فرصت‌های برابر تحصیلی، فرهنگی و اقتصادی، رشد می‌کنند و همان‌طور در مورد مشاغلی

1.underclass
2.class system
3.lumpenproletariat
4.marginalized

که عموماً این افراد به آن مشغول‌اند، گفته شد، در تعارض با فرهنگ نخبه‌گرای طبقات بالای اجتماعی قرار می‌گیرند.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

«تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه‌ها و روش‌هایی برای مطالعه تجربی روابط میان گفتمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی قلمروهای مختلف اجتماعی در اختیارمان قرار می‌دهد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۱۰۹). تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال «دو هدف عمده است:

۱. کمک به تصحیح ناچیز شمردن گسترده اهمیت زبان در تولید، ابقا و تغییر روابط اجتماعی قدرت؛

۲. کمک به افزایش آگاهی از اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی افراد بر دیگران مشارکت می‌کند، چراکه آگاهی، نخستین گام به سوی رهایی است» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱).

می‌توان هدف تحلیل گفتمان انتقادی را یافتن ارتباط بین زبان و قدرت، و یافتن روابط سلطه در بین مناسبات عادی در جامعه دانست. «زبان به‌طور مرکزی در قدرت پیچیده شده و مبارزات برای قدرت، پیچیده در ویژگی‌های ایدئولوژیکی آن است» (همان: ۱۷).

۳-۲. نظریه فرکلاف برای گفتمان به‌عنوان شکلی از کنش اجتماعی

کنش اجتماعی^۱ چیزی است که مردم، فعالانه براساس عقل سلیم^۲ تولید می‌کنند (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۷۲) که در جهت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک عمل می‌کند (همان: ۶۶) و در مورد فرایندهای اجتماعی و شرایط صورت‌پذیری آنها (فرکلاف،

1. social practice

2. commonsense

۱۹۸۹: ۲۲-۲۳)، به تحلیل اجتماعی در مورد نهادها و سازمان‌ها در ایجاد و شکل‌دهی کنش‌های گفتمانی بر اساس ایدئولوژی، هژمونی و سلطه بر گروه‌های تابع و ایجاد رضایت در آنها می‌پردازد (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۴-۹).

فرایند اجتماعی، تمامی فعل‌وانفعالات و روش‌هایی است که افراد و گروه‌ها در آن شرکت می‌کنند و به تنظیم و سازگار شدنشان در یک ارتباط می‌انجامد و الگوهای رفتاری را حفظ، بازتولید یا از نو تعریف می‌کند. ایدئولوژی عبارت است از «نظامی از بازنمایی‌ها^۱ که با ساختن روابط اجتماعی خیالی میان افراد و صورت‌بندی‌های^۲ اجتماعی، رابطه حقیقی افراد را در جامعه پنهان نگه می‌دارد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۳۹). ایدئولوژی، سازوکاری است که روابط علی و معلولی وجودی را به‌عنوان امور بدیهی و طبیعی در نظر افراد جامعه درمی‌آورد؛ «ایدئولوژی یک بازنمایی است از رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی هستی آنها» (آلتوسر، ۱۹۷۱: ۱۶۲). هژمونی عبارت است از «سازماندهی رضایت، فرایندی که طی آن آگاهی‌های فرمان‌بردار بدون توسل به خشونت یا اجبار ساخته می‌شوند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۶۵)، ولی مضمون هژمونی عمدتاً بر محور نظام اقتصادی دور خواهد زد (گرامشی، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

«شرایط اجتماعی، ویژگی‌های گفتمان را تعیین می‌کند» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۳)، شرایط اجتماعی، اموری غیرزبانی هستند. رابطه بین زبان و جامعه، یک رابطه بیرونی نیست، بلکه رابطه‌ای تقابلی با یکدیگر دارند: «زبان بخشی از جامعه است؛ پدیده‌های زبانی^۳ نوع خاصی از پدیده‌هایی اجتماعی هستند و پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های زبانی‌اند» (همان: ۲۳). اجتماعی بودن پدیده‌های زبانی به این معنا است که وقتی افراد با یکدیگر صحبت می‌کنند،

یا به موضوعاتی گوش می‌دهند و یا در حال نوشتن مطلبی هستند، از الگوها و روش‌هایی که به‌طور اجتماعی کسب کرده‌اند، پیروی می‌کنند. گرچه زبان پدیده‌ای اجتماعی است، فقط بخشی از پدیده‌های اجتماعی، زبانی هستند. پدیده‌های غیرزبانی مانند تولید اقتصادی یا همان شرایط زیربنایی در شکل‌دهی زبان و کاربرد آن دخیل‌اند (همان).

در دیدگاه فرکلاف، گفتمان به نظام‌های نشانه‌ای از قبیل زبان و تصویر محدود است و تمام کنش‌های اجتماعی را دربرنمی‌گیرد. بنابراین، کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی از دیدگاه او، تمامی نظام‌های نشانه‌ای از جمله کاربردهای زبان مانند گفت‌وگو، سخنرانی، مصاحبه، متن نوشتاری، بازجویی و غیره و همچنین فیلم سینمایی، تصاویر ویدئویی و غیره را شامل می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

«گفتمان، شرایط اجتماعی‌ای را شامل می‌شود که به‌طور مشخص می‌تواند به‌عنوان شرایط اجتماعی تولید و شرایط اجتماعی تفسیر باشد. این شرایط اجتماعی، علاوه بر این با سه سطح از تشکیلات اجتماعی^۱ در ارتباط است:

۱. سطح موقعیت اجتماعی یا در محیط اجتماعی بی‌واسطه‌ای که گفتمان در آن رخ می‌دهد.

۲. سطح نهاد اجتماعی‌ای که یک زمینه^۲ گسترده برای گفتمان تشکیل می‌دهد.

۳. سطح اجتماع به‌عنوان تمامی ... این شرایط اجتماعی.

... این شرایط اجتماعی، اندوخته‌های افراد^۳ را برای تولید و تفسیر شکل می‌دهند، که به نوبه خود روش‌هایی را که متن‌ها در آن تولید و تفسیر می‌شوند شکل می‌دهند» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۵). اندوخته‌های افراد شامل مجموعه‌ای از نمونه‌های اولیه و الگوهایی است که در

1 Social organization

2.matrix

3.Members resources

ذهن هر فرد جای گرفته است و در هنگام گفتمان از آن استفاده می‌کند. به بیان دیگر «[اندوخته‌ای] است که افراد در سر دارند (شامل دانششان از زبان، بازنمایی‌هایی از دنیای اجتماعی و طبیعی که در آن زیست می‌کنند، ارزش‌ها، اعتقادات، مفروضات و غیره) که در هنگام تولید و تفسیر متون به کار می‌بندند» (همان: ۲۴). این الگوهای اجتماعی، بی‌طرفانه نیستند، بلکه درصدد طبیعی جلوه دادن امور قراردادی مربوط به خود هستند. این طبیعی جلوه دادن، همان رفتار ایدئولوژیک است.

مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه ایران مبتنی بر نوعی از سرمایه‌داری است. در جامعه‌ای با مناسبات سرمایه‌داری بنابر آنچه گفته شد، هدف دارندگان قدرت، کسب منافع طبقاتی خود است. روش «فرکلاف» به افشای روابط سلطه و نقش ایدئولوژیک مناسبات قدرت در تحکیم روابط موجود می‌پردازد. از این رو شناسایی موقعیت طبقه متوسط در تولید اجتماعی به‌عنوان بافت تفسیر در تولید و مصرف متن (نوشتاری یا تصویری)، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

۴. تحلیل شرایط اجتماعی

۴-۱. شرایط اقتصادی-اجتماعی ایران

با اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲، «شاه در حوزه اقتصادی-اجتماعی نوسازی کرد و در نتیجه، طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد، اما نتوانست در حوزه دیگر، حوزه سیاسی نوسازی نماید» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۴). این نوسازی اقتصادی و مسلط کردن روابط سرمایه‌داری، بسیاری از مناسبات پدرسالارانه و استبدادی کهن را دگرگون کرد و طبقه خرده‌بورژوازی سنتی با اعتقادات مذهبی بیش از همه متضرر شد. یکی از دلایلی که قیام‌های پس از سال ۱۳۴۲ رنگ‌وبوی مذهبی داشت و در انقلاب

اسلامی ۱۳۵۷ نیز بدنه اصلی انقلابگران تمایلات مذهبی داشتند، ارتباط سنتی و دیرینه نهاد روحانیت با بازار و خرده‌بورژوازی سنتی بود.

پس از انقلاب اسلامی، مناسبات تولید هنوز سرمایه‌دارانه محسوب می‌شد، ولی با این تفاوت که نقش دولت پررنگ‌تر از پیش بود. جنگ باعث شد که «مناسبات تولیدی سرمایه‌داری سست شود و تولید خرده‌کالایی رواج یابد. این فرایندی است ... که از انباشت جلوگیری کرده و بحران اقتصادی را تشدید می‌کند. ... این پدیده در جابه‌جایی‌های بخشی در تولید و اشتغال، دهقانی‌شدن فزاینده کشاورزی، پرولتاریازدایی نیروی کار و گسترش فعالیت‌های خدماتی متجلی می‌شود» (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۶). این پدیده با رشد دستگاه دولتی و به استخدام درآمدن بخش وسیعی از مردم در دستگاه دولت همراه بود و باعث رشد بیش از پیش طبقه متوسط دولتی و جایگاه‌های شغلی متزلزلی همچون مشاغل خدماتی، خرده‌بورژوازی سنتی و دهقانان دارای زمین کوچک شد.

هر گفتمانی با اطلاق معانی به پدیده‌ها، سعی در غلبه بر گفتمان‌های رقیب دارد. به عبارتی، نقش پررنگ نظم گفتمانی و نظم اجتماعی که پدیده‌های اجتماعی را تعیین می‌کند و درعین حال، به وسیله آنها تعیین می‌شود. با بروز جنگ تحمیلی و استمرار آن به مدت هشت سال، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت که برای دفاع از خاک میهن و جلوگیری از هجوم دشمن، منابع اقتصادی زیادی را صرف بسیج و تجهیز نیروهای مدافع از مرزوبوم کشور کرد؛ ولی این شرایط جنگی، «به حاشیه راندن غیرهای داخلی را سرعت بخشید و توجیحات لازم را در اختیار گفتمان سنت‌گرای اسلامی قرار داد» (سلطانی: ۱۳۹۲، ۱۴۷).

پس از جنگ، «سیاست لیبرالیسم اقتصادی ایران شامل تک‌نرخی کردن ارز و اتخاذ ارز شناور، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، حذف کنترل قیمت‌ها و سوبسیدها بود» (بهداد

و نعمانی، ۱۳۸۷: ۹۰). با وجود اقتصاد مبتنی بر فروش نفت، ضعیف بودن سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و ناکارآمدی سرمایه‌داری بخش دولتی باعث کاهش سطح زندگی مردم شد. این شرایط، یعنی نبود شخصیت تأثیرگذار امام و پایان جنگ، مجالی برای تقابل بین گفتمان‌های درون سنت اسلامی فراهم آورد. «زمانی که امام در سال ۱۳۶۸ فوت کرد، بعد از منازعاتی که بر سر جانشینی کاریزما درگرفت، در نهایت کاریزما به نهادی قانونی تبدیل شد، نهاد ولایت فقیه که اینک جایگزین کاریزما شده بود، در واقع به نقطه کانونی گفتمان راست سنت‌گرا ... بدل شد» (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). اما این تغییرات در خواسته‌های سیاسی، ریشه در منافع اقتصادی افرادی داشت که هر یک از این دو گفتمان، آن را نمایندگی می‌کرد. در خلال سال‌های جنگ، خرده‌بورژوازی سنتی ایران که از حامیان همیشگی مذهب و حکومت جمهوری اسلامی ایران بود، دچار ضرر گشت. چراکه بنیادها و سازمان‌های تازه‌تأسیس، با استفاده از امکانات تازه و استفاده از حق امتیازهای ویژه حکومتی، دست به کار شدند و خرده‌بورژوازی سنتی ایران، به حاشیه رانده شد. این تضاد منافع، در دهه بعد از جنگ به شکل تعارض بین گفتمان بنیادگرایی و گفتمان سازندگی خود را نشان داد. پس از جنگ، شاهد تغییر رویه دولت هستیم که اینک نماینده خرده‌بورژوازی سنتی است و تا حدی علاقه‌مند به داشتن روابط آزاد با غرب؛ چراکه برای بقای اقتصادی‌اش نیاز به آزادسازی سرمایه و قواعد بازار دارد و این در تعارض با خواسته‌های بخش سنت‌گرا و بنیادگرایی حاکمیت است، چراکه با آزاد شدن سرمایه و رقابتی شدن بازار، حق امتیازهای ویژه دیگر اعتباری نخواهند داشت. گفتمان سازندگی در چنین شرایطی با خواست برقراری لیبرالیسم اقتصادی در جامعه مطرح شد. روی آوردن مردم و به‌ویژه طبقه متوسط به گفتمان سازندگی و اقدامات دولت، تصادفی نبود، چراکه مردم خواهان تغییر در وضع معیشت و خواستار ارتقای سطح زندگی خویش بودند.

در تمام مدت غلبهٔ گفتمان اصلاحات، هیچ برنامهٔ مدون اقتصادی ارائه نشد و تلاشی برای تغییر ساختار و یا حتی تلطیف اوضاع نابه‌سامان اقتصادی صورت نگرفت. دولت اصلاحات از قیمت بالای نفت در بازار بین‌المللی، در دوره‌ای نسبتاً طولانی، که برای ایران درآمد سرشار به بار آورد، برخوردار شد (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). در این دوره به دلیل کم شدن سیطرهٔ گفتمان اقتدارگرای حاکم در دههٔ ۱۳۶۰، امکان بروز گفتمان‌های به‌حاشیه‌رانده شدهٔ پیشین فراهم آمد. زنان نیز که تحت تأثیر این گفتمان بنیادگرا به میزان زیادی از بدنهٔ اشتغال کشور خارج شده بودند، در دههٔ ۱۳۷۰ به تدریج جای خود را در مشاغل به دست می‌آوردند، اما تحمیل‌ها و فشارها کماکان بر آنها وارد بود. در این دوره که خواسته‌های طبقهٔ کارگر و اقشار محروم بر نیازهای اولیهٔ زندگی متمرکز بود، طبقهٔ متوسط با اتکا به درآمد ثابتش و استفاده از خدمات تأمین اجتماعی، خواسته‌های طردشدهٔ مدنی و سیاسی‌ای را مطرح می‌کرد که در سطح زندگی اقشار پایین هواداری نداشت. بدین‌سان، شکاف بین طبقهٔ متوسط و افراد مادون طبقه که تا پیش از این، بر سر مسائل معیشتی بود، اینک به صورت شکافی ایدئولوژیک، به معنای خاص کلمه رخ داد و این دو طبقه در تقابل با هم قرار گرفتند. در مورد وضعیت اقتصادی دههٔ ۱۳۸۰، به تفکیک در تحلیل هر فیلم سخن به میان خواهد آمد.

چون محل کار شخصیت‌ها، شهر تهران است، از آمارهای مربوط به خانوارهای شهری استفاده شده است.

۵. بررسی موردی فیلم‌ها و تعیین جایگاه طبقاتی شخصیت‌های آنها

۵-۱. فیلم چهارشنبه‌سوری ۱۳۸۴

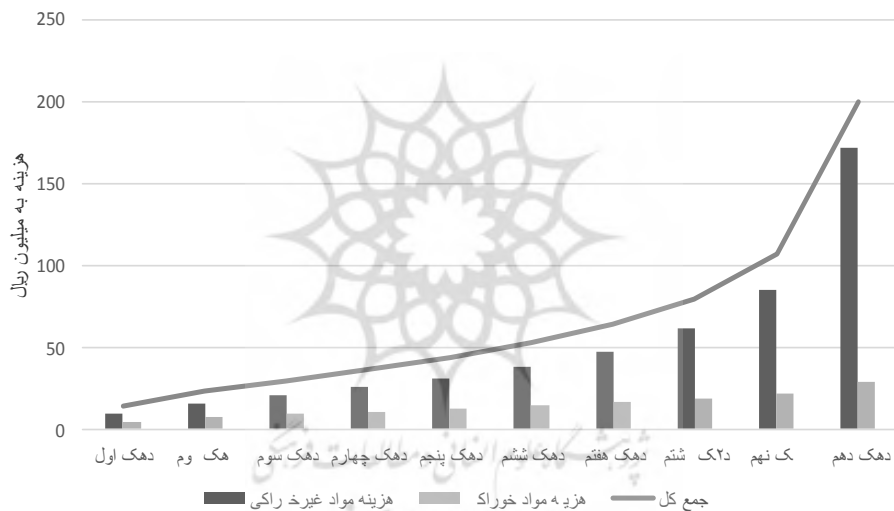
خانه سمیعی‌ها در آستانه عید نوروز، آشفته و نامرتب است. مژده، زن خانواده با شوهرش مشکل دارد و می‌پندارد که شوهرش با سیمین، زن مطلقه همسایه‌شان در ارتباط است. فضای پر تنش درون خانه با صدای انفجارهای چهارشنبه‌سوری همراه است. روحی به‌عنوان کارگر در آنجا مشغول به کار می‌شود. مرتضی در طول فیلم در نظر همسرش به‌ظاهر از اتهامش مبرا می‌شود، ولی برای مخاطب مسجل می‌شود که مرتضی و سیمین با هم رابطه دارند و سیمین دیگر خواهان ادامه رابطه نیست. روحی که به این رابطه پی برده است، پشیمان از گفتن دروغی که پیش‌تر به ایجاد حس اعتماد مژده به مرتضی منجر شد، اقدامی نمی‌کند و به نزد نامزدش در محیط امن و آرام روستایشان بازمی‌گردد.

۵-۱-۱. تعیین جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم چهارشنبه‌سوری

با توجه به اینکه فیلم در سال ۱۳۸۵ اکران شد و همچنین استفاده از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، از آمارهای این سال به جای سال ۱۳۸۴ استفاده کردیم. بر اساس مصوبه شورای عالی کار مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۹، در بخش‌نامه وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵ به شماره نامه ۱۲۲۲۶۷، از اول سال ۱۳۸۵ حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار با قرارداد دائم (نامحدود) پنجاه‌هزار ریال تعیین گردید. در تبصره این بند آمده است که حداقل مزد برای کارگران مشمول قانون کار که دارای قرارداد مدت موقت هستند، روزانه شصت‌هزار ریال است. بنابراین حداقل دستمزد برای یک کارگر ساده در ماه، مبلغی بین ۱/۵ میلیون ریال تا ۱/۸ میلیون ریال و سالانه به میزان ۱۸ میلیون ریال تا ۲۱/۶ میلیون ریال می‌شود. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران «در سال

۱۳۸۵، متوسط هزینه‌های خالص سالانه یک خانوار شهری ۶۷/۳ میلیون ریال بوده که شامل ۵۲/۱ میلیون ریال (۷۷/۴ درصد) هزینه‌های غیرخوراکی و ۱۵/۲ میلیون ریال (۲۲/۶ درصد) هزینه‌های خوراکی و دخانی می‌باشد» (سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۵: ۶۸۹). و همین‌طور «در سال ۱۳۸۵ متوسط درآمد یک خانوار شهری در حدود ۶۵/۵ میلیون ریال می‌باشد» (همان).

نمودار ۱- هزینه‌های مصرفی خانوار در سال ۱۳۸۵



بر مبنای داده‌های سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۵: ۶۹۳-۶۹۶.

بدین ترتیب، یک کارگر ساده سرپرست خانوار با دریافت حداقل دستمزد، چیزی بین ۲۷/۵ درصد تا ۳۳ درصد متوسط درآمد یک خانوار شهری را در سال کسب می‌کند.

جدول ۱- جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم چهارشنبه‌سوری

میزان مهارت	میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
بالا، به دلیل وضعیت شغلی	بالا، قابلیت سفر به خارج، مالک خانه و شرکت	بالا، با توجه به شواهد از وضع زندگی‌اش	مدیر ارشد شرکت ساخت تبلیغات تلویزیونی	به دلیل شغلش، تحصیلات عالی	مرتضی سمیعی (حمید فرخ- نژاد)
نامعلوم	به واسطه شوهرش بالا	به واسطه شوهرش بالا	خانه‌دار	نامعلوم، با توجه به موقعیت طبقاتی و رفتارش احتمالاً تحصیلات عالی	مژده (هدیه تهرانی)
بی مهارت	پایین، با توجه به محل خانه و نوع تردد و شغلش	پایین، حداقل دستمزد	کارگر ساده	نامعلوم، با توجه به رفتار و کارش احتمالاً تحصیلات پایین یا متوسطه	روحی (ترانه علی‌دوستی)
نامعلوم، در آرایشگری بامهارت	متوسط، روبه پایین، به دلیل	نامعلوم، احتمالاً متوسط که	مبهم، در خانه‌اش به آرایشگری	نامعلوم، با توجه به رفتارش	سیمین (پانته‌آ بهرام)

میزان مهارت	میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
	کرایه‌نشینی ولی ظاهر آراسته خودش و خانه‌اش	قادر به کرایه کردن خانه در آن منطقه است	می‌پردازد ولی معلوم نیست منبع درآمدش این باشد	احتمالاً تحصیلاتی بالاتر از متوسطه	
نامعلوم، احتمالاً بی‌مهارت	پایین، با توجه به محل خانه، نوع رفت‌وآمد، ظاهر و همچنین شغلش که در یک کارگاه کار می‌کند	پایین، با توجه به ظاهر و وسیله نقلیه‌اش	کارگر	نامعلوم، ولی به دلیل شغلش احتمالاً تحصیلات پایین یا متوسطه	عبدالرضا (نامزد روحی) (هومن سیدی)
نامعلوم	نامعلوم، با توجه به ظاهرش و به واسطه شوهرش احتمالاً بالا	نامعلوم، با توجه به ظاهر خودش و شوهرش احتمالاً بالا	نامعلوم، با توجه به پخت‌وپز برای مژده احتمالاً خانه‌دار	نامعلوم، از رفتارش می‌توان حدس زد تحصیلاتی بالاتر از متوسطه دارد	مهشید (خواهر مژده) (سحر دولتشاهی)

۵-۱-۲ تحلیل انتقادی فیلم چهارشنبه‌سوری

فیلم با سرخوشی روحی و سایر کارگرانی که در مؤسسه خدماتی‌اند با مسئله گم‌شدن- روده‌شدن یکی از کارگران آغاز می‌شود. آنها به‌عنوان طبقات پایینی جامعه با این حادثه به‌عنوان بخشی ناگزیر از زندگی، بدون هراس از امکان وقوعش برای خود برخورد می‌کنند. این‌گونه است که در آغاز فیلم که با افراد طبقات پایینی اجتماع روبه‌رو می‌شویم. رضایت از جایگاه طبقاتی و شرایط زندگی، امری ایدئولوژیک توسط گفتمان غالب است؛ منوط کردن رضایت به آموزه‌های اعتقادی و بهره‌مندی از ایمان، کتمان این واقعیت اجتماعی است که طبقات فاقد درآمد حداقلی، با هر اعتقادی، قادر به برآورده کردن نیازهای اولیه و معیشتی خود نیستند. در این شرایط، رضایت، امری ناشدنی برای آنهاست.

روایت با روحی و ورودش به شهر و خانه سمیعی شروع می‌شود. اما پس از آن در صحنه صحبت کردن مژده و مهشید در حمام، رفتن مرتضی به شرکت، کتک خوردن مژده از مرتضی در خیابان جلوی شرکت و بالاخره ملاقات سیمین و مرتضی در ماشین، همگی بدون حضور روحی به تصویر کشیده شده‌اند. کسی که وجودش تنها بهانه‌ای برای روایت مشکلات فردی خانواده سمیعی است؛ افرادی که از او متمول‌ترند، اما بنیان خانواده‌شان متزلزل و از نظر روانی بسیار تحت فشار هستند. این‌گونه، حتی در روایت نیز، این افراد در درجه دوم اهمیت و تنها طفیلی‌هایی برای بیان مشکلات افراد طبقه متوسط هستند.

مرتضی، مردی با درآمد بالا و زندگی به‌نسبت مرفه که می‌تواند به دبی سفر کند، با همسایه‌شان که زنی مطلقه است، رابطه دارد. سیمین، به‌عنوان زنی تنها، مورد سوءظن همسایگان و به‌ویژه مژده، همسر مرتضی، تصویر شده است. نقشی که زنی تنها را به‌عنوان ابژه‌ی جنسی برای مردان بازنمایی می‌کند. این گمان با رفتار متین و سخاوتمندانه سیمین، به‌ظاهر در مخاطب رنگ می‌بازد، اما با ملاقات سیمین و مرتضی، عینیت می‌یابد. سیمین

به‌ظاهر تنها و مستقل است، اما به‌تمامی به یک مرد وابسته است. وابستگی سیمین به یک مرد و ناتوان تصویرشدنش بازنمایی تصویر تبلیغ‌شده از زن است که موجودی کمتر از مرد و وابسته به آن دیده می‌شود. او ابژه‌ای جنسی است. او با اینکه تنها زندگی می‌کند، شغلی دارد و قادر به ادارهٔ امورات زندگی‌اش است، با مردی متأهل و بچه‌دار در ارتباط است. سیمین که تنها زن مستقل فیلم است برای ادامهٔ حیات به‌ظاهر مستقلش، باید در خفا به مردی پناه ببرد تا از گزند محیط مصونش دارد. علاوه‌بر انفجار نارنجک دستی در کنار پیش که دیگر مرتضی حضور ندارد، بنا به مکالمهٔ مژده و همسرش، مرتضی از سیمین در برابر هیئت‌مدیرهٔ ساختمان و همسایگان ناراضی، دفاع کرده است. این وابستگی سیمین به مرتضی یا هر مردی، پذیرش ابژهٔ جنسی بودن توسط خود سیمین را تقویت می‌کند.

در پایان نیز مژده درحالی‌که به‌ظاهر با مرتضی آشتی کرده، اما در کنار فرزندش امیرعلی خوابیده است. گویی هنوز به مرتضی اعتماد ندارد. اما مخالفت او، تنها به‌صورت هم‌بستر نشدن با او بازنمایی می‌شود. تصویری ایدئولوژیک مبتنی بر ابژهٔ جنسی بودن زن که در راستای تفکر مرسوم و جاافتاده‌ای است که زن را وسیلهٔ تمتع مرد به‌حساب می‌آورد، نه به‌عنوان انسانی مستقل و آزاد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۲. فیلم دربارهٔ الی ۱۳۸۷

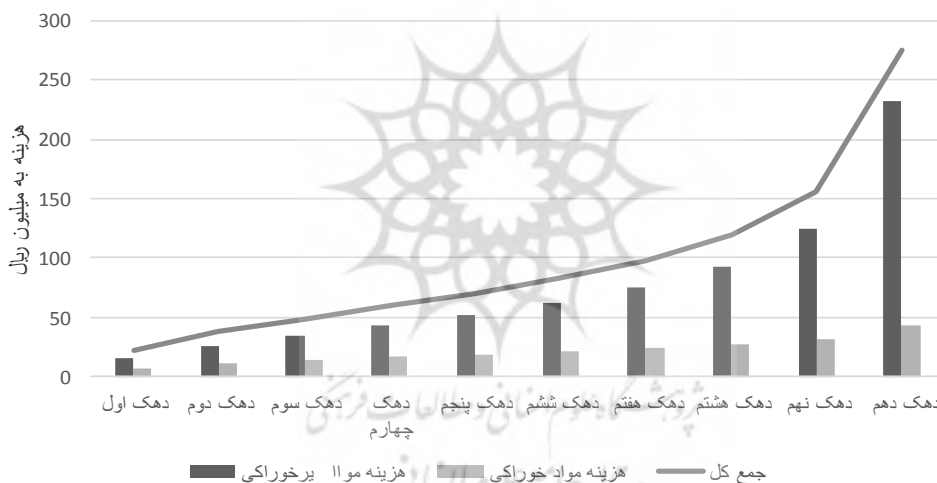
چند خانواده برای گذراندن تعطیلات به شمال می‌روند. آنها برای احمد که به تازگی از آلمان آمده است می‌خواهند همسری بیابند. الی، مربی مهدکودک دختر سپیده نیز به همراه آنهاست. الی با دعوت سپیده به این سفر آمده است. پس از ناپدیدشدن الی در ساحل دریا، هرکس در مورد این مسئله به قضاوت می‌پردازد و دیگری را مقصر می‌داند. تا آن‌جاکه

جمع به خاطر منافع خود زمانی که نامزد جستجوگر الی در پی او از راه می‌رسد از حمایت الی دست می‌کشند و سپیده را مجاب می‌کنند که با آنها همراه شود.

۵-۲-۱. تعیین جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم درباره الی

بر اساس مصوبه شورای عالی کار مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۲ در بخش‌نامه وزارت کار و امور اجتماعی به شماره ۱۵۱۶۵۵ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵، حداقل دستمزد برای هر روز کار، مبلغ ۷۳/۲ هزار ریال تصویب شد. یعنی در ماه حدوداً ۲/۲ میلیون ریال.

نمودار ۲- هزینه‌های مصرفی خانوار در سال ۱۳۸۷



بر مبنای داده‌های سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۷: ۷۵۱-۷۵۴.

«در سال ۱۳۸۷، متوسط هزینه‌های خالص یک خانوار شهری، ۹۴/۲ میلیون ریال بوده که شامل ۷۲/۸ میلیون ریال (۷۷/۳ درصد) هزینه‌های غیرخوراکی و ۲۱/۳ میلیون ریال (۲۲/۷ درصد) هزینه‌های خوراکی و دخانی می‌باشد» (سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۷: ۷۴۷). با توجه به این ارقام و اینکه «در سال ۱۳۸۷، متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در

حدود ۸۸/۲ میلیون ریال می‌باشد» (همان)، کسی که بر اساس حداقل دستمزد حقوق می‌گیرد، در سال ۲۶/۴ میلیون ریال درآمد دارد که حدود ۳۰ درصد درآمد متوسط خانوار در سال ۱۳۸۷ است.

جدول ۲- جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم درباره‌ی الی

میزان مهارت	میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
نامعلوم	بالاتر از متوسط	با توجه به ظاهر و ماشین، احتمالاً بالاتر از متوسط	نامعلوم	نامعلوم، با توجه به رفتار و گفتار احتمالاً تحصیلات عالی	امیر (مانی حقیقی)
نامعلوم	بالاتر از متوسط، احتمالاً به واسطه شوهرش	احتمالاً به واسطه شوهرش بالاتر از متوسط	نامعلوم	نامعلوم، با توجه به رفتار و گفتار احتمالاً تحصیلات عالی	سپیده (همسر امیر) گلشیفته (فراهانی)
کم مهارت، به دلیل مربی مهد بودن	کم و یا اندکی پایین‌تر از متوسط	کم، با توجه به مربی مهد بودن، در حد حداقل دستمزد یا اندکی بیشتر	مربی مهدکودک	به دلیل مربی مهد بودن احتمالاً تحصیلات دیپلم یا فوق دیپلم	الی (ترانه علیدوستی)

میزان مهارت	میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
نامعلوم	بالاتر از متوسط	به دلیل زندگی در آلمان احتمالاً بالاتر از متوسط	نامعلوم	نامعلوم، به دلیل زندگی در آلمان احتمالاً تحصیلات عالی	احمد (شهاب حسینی)
احتمالاً به دلیل شغلش بامهارت	بالاتر از متوسط	احتمالاً به دلیل تحصیلاتش بالاتر از متوسط	نامعلوم، به دلیل تحصیل حقوق در دانشگاه احتمالاً وکیل یا شغلی حقوقی	تحصیلات عالی، در بازی پانتومیم و دعوا با شهره اشاره به دانشکده حقوق می‌کند	پیمان (پیمان معادی)
نامعلوم	احتمالاً به واسطه شوهرش بالاتر از متوسط	احتمالاً به واسطه شوهرش بالاتر از متوسط	نامعلوم	احتمالاً تحصیلات عالی، در دعوا با پیمان اشاره به دانشکده می‌شود	شهره (همسر پیمان) (مریلا زارعی)

میزان مهارت	میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
نامعلوم	متوسط یا بالاتر از متوسط	با توجه به ظاهر و ماشین احتمالاً متوسط یا بالاتر از متوسط	نامعلوم	نامعلوم، با توجه به رفتارش احتمالاً تحصیلات عالی	منوچهر (احمد مهرانفر)
نامعلوم	احتمالاً به‌واسطه شوهرش متوسط یا بالاتر از متوسط	احتمالاً به‌واسطه شوهرش متوسط و یا بالاتر از متوسط	نامعلوم، با توجه به رفتارش احتمالاً خانه‌دار	نامعلوم، به‌دلیل رفتار و تمکین از شوهرش احتمالاً تحصیلات متوسطه یا اندکی بالاتر	نازی (همسر منوچهر) (رعنا آزادی-ور)

۵-۲-۲ تحلیل انتقادی فیلم درباره‌ی الی

«انسان در جوامع طبقاتی، بندبازی است که بر لب پرتگاه می‌رقصد؛ در آنجا هیچ چیزی کامل نیست مگر بدبختی. ثروت، این گواهی‌نامه گستاخی، در دست بورژوازی حتی وسیله‌ای می‌شود تا با ایجاد انجمن‌های دن‌کیشوتی خیریه، تیره‌روزی انسان را وسیله سرگرمی و مشغولیت و ارضای حب ذات خود کند» (مارکس، ۱۳۵۸: ۵). فیلم با صندوق صدقات آغاز می‌شود که دوربین درون آن است. زمانی که دیگر الی گم شده است و قضیه

نامزد داشتن او بر همه آشکار می‌شود، از زبان امیر می‌شنویم که الی پول در صندوق صدقات انداخته است. الی به همراه امیر و سپیده به این مسافرت آمده و مهمان آنها است. گویی این صدقه نه به صورت مالی و توسط الی، که با آوردن او به این سفر محقق شده است.

الی، زنی که مربی مهدکودک است و حقوقی در حد حداقل دستمزد مصوب در این سال می‌گیرد، مفقود می‌شود. او با اصرارهای مکرر سپیده برای آشنایی و ازدواج با احمد به سفر آورده شده است. سپیده حقایقی از جمله نامزد داشتن الی را کتمان می‌کند و به خود اجازه می‌دهد با تحکم، او را از رفتن بازدارد. کسب منزلت از طریق لطف کردن به افراد زیردست‌تر از خود و در ازای آن احساس برتری کردن نسبت به فرد کمک‌شده، از خصلت‌های دن‌کیشوت‌مآبانه است. در فیلم چهارشنبه‌سوری، روحی خبر از مفقود شدن یکی از همکارانش می‌داد و این بار، الی زنی از طبقه فرودست، مفقود می‌شود. بلایا بر طبقه فرودست نازل می‌شود، ولی نمودی که در فیلم دارد، تأثیر آن بر طبقه متوسط و با بهره‌مندی از امکانات رفاهی است. فرودستان به‌عنوان افرادی مازاد بر مردم طبقه متوسط در فیلم به حساب می‌آیند. شخصیت‌های اصلی، مردم طبقه متوسط‌اند. مفقود شدن الی، مردم طبقه متوسط بازنمایی شده در فیلم را به قضاوت درباره مسائل اخلاقی یکدیگر وامی‌دارد. تهدیدکنندگی مردمان طبقه فرودست، نه با حضورشان، بلکه با فقدانشان هم بر طبقه متوسط و منزلت آنان قابل مشاهده است. مسئله اصلی فیلم، فقدان یک انسان نیست، چراکه گم‌شدن الی، نیروی محرکه روایت است و گویی داستان بازماندگان ویلا تازه آغاز می‌شود. در زمان بروز حادثه، یعنی مفقود شدن الی، دوربین که تا پیش از این الی و بازی سرخوشانه او با بادبادک را نشان می‌داد، به ناگاه به بازی والیبال مردان برش می‌خورد و ما دیگر از الی چیزی نمی‌بینیم تا بچه‌ها خبر غرق شدن آرش را به بزرگ‌ترهای خود

می‌دهند. این استقلال دوربین که از نقطه بحران داستان، یعنی مفقود شدن الی به بازی مردان برش می‌زند، اعمال قدرت فیلم‌ساز بر مخاطب است، که قضاوت در مورد الی را بر عهده مخاطب می‌گذارد. دوربین مستقلاً خود را از جریان حادثه دور می‌کند و این بر عهده مخاطب گذاشتن قضاوت، نه به‌عنوان ابزاری فاصله‌گذارانه برای تفکر، که حربه‌ای تکنیکی در راستای ایدئولوژیک عمل کردن است؛ از این جهت ایدئولوژیک که بدبختی بر شخصی نازل شده است که دوربین تا پیش از این با او بود، اما حادثه به ناگاه از چشم مخاطب پنهان نگه داشته می‌شود تا محوریت روایت که مبتنی بر قضاوت دیگر شخصیت‌های فیلم و مخاطب درباره الی است، شکل بگیرد.

۵-۳. فیلم جدایی نادر از سیمین ۱۳۸۹

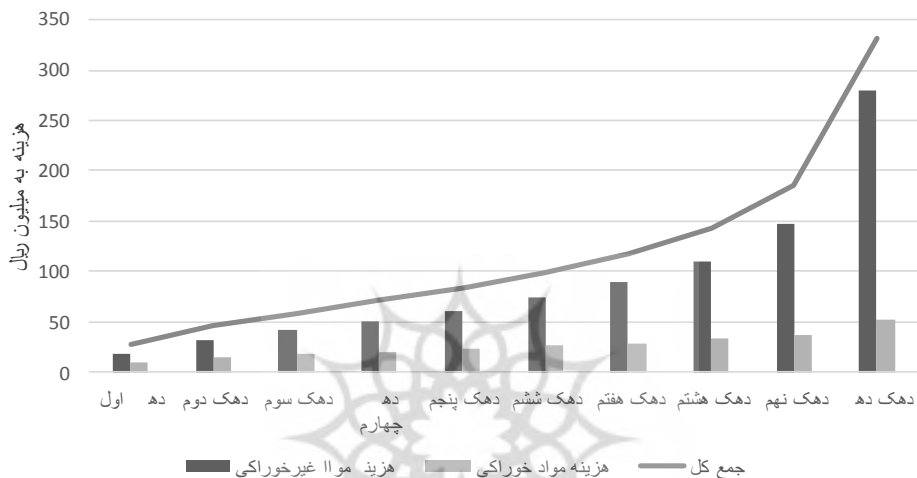
سیمین می‌خواهد از شوهرش نادر طلاق بگیرد، چراکه حاضر به مهاجرت نیست. دادگاه با درخواست سیمین مبنی بر حضانت دخترش ترمه مخالفت می‌کند. سیمین خانه را ترک می‌کند و نادر برای نگهداری از پدرش، پرستاری به نام راضیه را استخدام می‌کند. نادر به‌خاطر بی‌مبالاتی راضیه، او را از خانه بیرون می‌اندازد. بچه او سقط می‌شود و درگیری بین حجت، شوهر راضیه و نادر بالا می‌گیرد. نادر و سیمین در پی کسب رضایت خانواده راضیه هستند و در همین حین، دادگاه طلاق آن دو هم در جریان است.

۵-۳-۱. تعیین جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم جدایی نادر از سیمین

بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۲ شورای عالی کار در بخش‌نامه وزارت کار و امور اجتماعی به تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۳ به شماره‌نامه ۱۳۱۵۳۵، حداقل دستمزد به‌ازای هر روز کار معادل ۱۰۱ هزار ریال تعیین شد. این مبلغ ماهیانه معادل ۳/۰۳ میلیون ریال می‌شود. «در سال ۱۳۸۹، متوسط هزینه‌های خالص یک خانوار شهری ۱۱۳/۷ میلیون ریال بوده که شامل

۸۷/۵ میلیون ریال (۷۷ درصد) هزینه‌های غیرخوراکی و ۲۶/۲ میلیون ریال (۲۳ درصد) هزینه‌های خوراکی و دخانی می‌باشد» (سال‌نامه آماری کشور: ۱۳۸۹: ۷۹۶).

نمودار ۳- هزینه‌های مصرفی خانوار در سال ۱۳۸۹



بر مبنای داده‌های سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۹: ۸۰۱-۸۰۴.

با توجه به حداقل دستمزد در این سال، کسی که ماهانه ۳/۰۳ میلیون ریال دستمزد می‌گیرد، درآمدی معادل ۳۶/۳۶ میلیون ریال در سال خواهد داشت که تنها ۳۲ درصد متوسط هزینه‌های خالص یک خانوار است. «در سال ۱۳۸۹ متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در حدود ۱۰۶/۲ میلیون ریال می‌باشد» (همان: ۷۹۷) که یعنی کسی که با حداقل حقوق، دستمزد می‌گیرد، حدود ۳۴ درصد درآمد یک خانوار متوسط عایدی دارد.

جدول ۳- جایگاه طبقاتی شخصیت‌های فیلم جدایی نادر از سیمین

میزان مهارت	میزان بهره- مندی از امکانات رفاهی	سطح درآمد	شغل و جایگاه شغلی	میزان تحصیلات	شخصیت‌ها
دارای مدیریت و مهارت بالا به دلیل شغلش	زیاد، استفاده از خانه پدری، سطح زندگی بالا	بالاتر از متوسط	کارمند بانک	تحصیلات عالی	نادر (پیمان معادی)
با مهارت بالا احتمالاً	به واسطه روابط خانوادگی، چه شوهرش و چه مادرش بالا	نامعلوم، احتمالاً بالاتر از متوسط	مدرس آموزشگاه زبان	تحصیلات عالی	سیمین (همسر نادر) (لیلا حاتمی)
بی مهارت	پایین، با توجه به محل و ظاهر خانه‌شان و سرووضعش	پایین، اندکی کمتر از حداقل دستمزد	کارگر ساده	نامعلوم، با توجه به شواهد احتمالاً حداکثر در حد تحصیلات متوسطه	راضیه (ساره بیات)
بی مهارت	پایین	پایین، چیزی بین صفر تا حداقل دستمزد	کارگر ساده بوده و اکنون بی کار است	نامعلوم، احتمالاً تحصیلاتی در حد سیکل	حجت (همسر راضیه) (شهاب حسینی)

۵-۳-۳. تحلیل انتقادی فیلم جدایی نادر از سیمین

در صحنه آغازین فیلم دوربین در جایگاه قاضی قرار دارد و سیمین و نادر رو به دوربین صحبت می‌کنند. سیمین در جواب سؤالات قاضی و دلایلی که نادر برای ماندن در ایران می‌آورد، پاسخ‌هایی غیرمنطقی و احساساتی می‌دهد. قاضی دست آخر، دلایل سیمین را موجه نمی‌داند و جلسه را خاتمه می‌دهد. در این صحنه، فیلم‌ساز با توجه به جایگاه دوربینش، از جانب تماشاگر تصمیم‌گیری می‌کند و یا به عبارت دیگر، نظر خودش را به شکلی غیرمستقیم به بیننده تحمیل می‌کند. این صحنه که با تکنیک برداشت بلند و بدون برش تصویر گرفته شده، است به بیننده فرصت قضاوت و تحلیل می‌دهد، اما با قضاوت قاضی، تماشاگر در تصمیم‌گیری آزاد نیست، بلکه تصویر به صورتی ایدئولوژیک عمل می‌کند؛ از این جهت ایدئولوژیک که تکنیک برداشت بلند، فرصت برای تأمل و نتیجه‌گیری درباره کنش‌های روایی آن صحنه را به بیننده می‌دهد، ولی با تمهید زیرکانه فیلم‌ساز با جایگزینی دوربین در جایگاه قاضی، هم این فرصت را به بیننده داده و هم نتیجه قضاوت را در آخر صحنه آورده است. در این حین با پاسخ‌های دور از منطق و احساسی سیمین نیز مواجه هستیم.

مخفی بودن حوادث از چشم بیننده، بازتولید مناسبات قدرت و اعمال آن توسط ساختارهای اقتصادی است که در فیلم بازنمود یافته است. حوادث، نه بر اساس منطق درونی روایت، که بر اساس تعمد فیلم‌ساز از چشم بیننده دور نگه داشته می‌شوند. این اعمال قدرت بیرونی بر فیلم که از جانب فیلم‌ساز است، آزادی در انتخاب را از بیننده می‌گیرد؛ یک بار در مورد تصادف راضیه و بار دیگر در مورد انتخاب ترمه برای ماندن با پدر یا مادرش. در مورد تصادف راضیه، از خلال حرف‌های راضیه و سمیه از این حادثه باخبر می‌شویم. هرچند ناخوشی راضیه در اتوبوس گواهی بر وقوع حادثه است. مورد

پررنگ‌تر، در مورد تصمیم‌گیری ترمه در صحنه پایانی فیلم است. در تمام مدت این صحنه، دوربین در سمت نادر قرار دارد، سیمین به آن سوی درگاه شیشه‌ای رفته است، ولی دوربین با نادر می‌ماند. با نشستن نادر، دوربین نیز هم‌سطح با او پایین می‌آید. این چنین حرکات دوربین در تعقیب کردن سوژه که در این مورد نادر است، به صورتی ایدئولوژیک عمل و تصمیم‌گیری خود را به صورتی پنهانی در فیلم تحمیل می‌کند. فیلم بازنمودی از حفظ وضع موجود و خطرناک جلوه دادن تغییرات است؛ تغییراتی که سیمین را می‌توان نماینده آن دانست.

سیمین که زنی تحصیل‌کرده و شاغل تصویر شده است، چه در آغاز فیلم که در دادگاه دلایل منطقی برای مهاجرت ارائه نمی‌کند و چه در زمانی که برای نادر مشکل پیش آمده است، بدون آگاهی نادر پیش حجت می‌رود و پیشنهاد دادن پول در ازای گرفتن رضایت حجت، در هر دو موقعیت زنی ترسو که به جای حل کردن مشکل می‌خواهد آن را با پرداختن پول حل کند، بازنمایی شده است. همان‌گونه که در آغاز فیلم در صحنه دادگاه نشان داده شد، حرف‌های احساساتی سیمین در اینجا نمود عینی یافته و سیمین، زنی که ظاهراً مستقل است، کسی بازنمایی می‌شود که برای فرار از مشکلات می‌خواهد مهاجرت کند.

حجت مردی است از طبقه کارگر و در حال حاضر بیکار. اما این فرد با رفتارهای عصبی، بیشتر از آنکه احساس هم‌ذات‌پنداری در مخاطب ایجاد کند، خود را فردی دچار اختلالات روانی نشان می‌دهد. او که بر اِعمال قدرت‌هایی که بر او وارد شده آگاه است، نمی‌تواند احقاق حق کند و یا حتی به درستی آن را بیان کند. او تهدیدی برای خانم قهرایی (مدیر مدرسه) و خانواده نادر به حساب می‌آید. گویی حجت مسبب اصلی بدبختی‌اش را در افراد مرفه طبقه متوسط مانند نادر و خانم قهرایی می‌بیند. به دلیل توزیع نابرابر ثروت و

امکانات رفاهی بین افراد طبقه نادر (بخش مرفه طبقه متوسط) و افراد طبقه کسانی مانند حجت (طبقه کارگر)، این مسائل بروز می‌کنند که دلیل آن نه اشخاص، بلکه مناسبات اقتصادی موجود است. چنین تقلیل شرایط ساختاری اقتصادی به مشکل بین دیدگاه‌های افراد در دو طبقه متمایز، می‌تواند مصداق پنهان کردن مناسبات نابرابر توزیع درآمد باشد.

در این زمان تنش حجت با نادر آغاز می‌شود؛ مردی که منطقی و خانواده‌دوست بازنمایی شده است. در این فیلم، دروغ‌های نادر و یا کتمان حقایق، همه در راستای مصالح خانواده و ترمه بازنمایی می‌شوند و حتی نادر به دخترش می‌گوید که اگر او بخواهد، در بازپرسی حقیقت را خواهد گفت و ترمه در بازپرسی دروغ می‌گوید. نادر با اینکه در راهرو، فرصت توجیه ترمه را دارد، چیزی به او نمی‌گوید. این بازنمودی از روابط ایدئولوژیک است که در فیلم آمده است. بدون اعمال زور، سوژه دست به کاری می‌زند که ممکن است با آن موافق نباشد ولی برای حفظ مصالحش آن را انجام می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

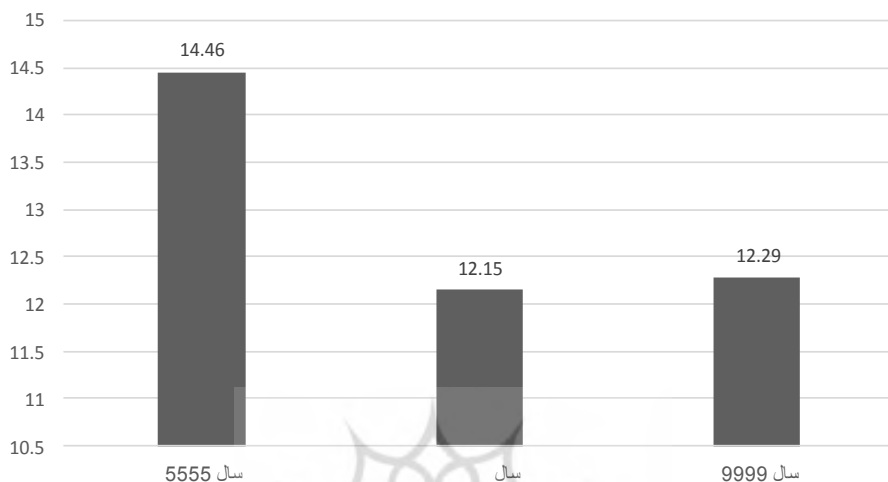
در فضای تولید و مصرف فیلم‌های بررسی‌شده، کارگردان نیز از مناسبات ایدئولوژیک حاکم بر آن دوران به دور نبوده و خود نیز به بازتولید این مناسبات پرداخته است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، رابطه بین امور بازنمایی‌شده و رابطه آنها با مناسبات اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی حاکم بر جامعه است. زمانی این بازنمایی، امری ایدئولوژیک محسوب می‌شود که صرفاً به بازتولید مناسبات حاکم بر جامعه اکتفا نکرده، بلکه سعی در موجه شمردن وضع موجود داشته باشد.

همان‌گونه که فرهادی در مصاحبه با مسعود مهرابی در مجله ماهنامه سینمایی فیلم، شماره ۵۱۴، مهرماه ۱۳۹۵ اذعان می‌کند: «به عقیده من مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین طبقه

در جامعه امروز، طبقه متوسط است. ... این طبقه‌بندی‌ها در جامعه ما بیشتر تقسیم‌بندی اقتصادی است و کمتر فرهنگی است. اما خوشبختانه گسترده‌ترین طبقه‌ای که در اجتماع داریم، طبقه متوسط است». او در جایی دیگر از این مصاحبه متذکر می‌شود که: «پیش از این در ادبیاتمان هم این‌گونه بوده که غالب مؤلفان ما بیشتر دغدغه عدالت داشتند تا آزادی و وقتی از عدالت حرف می‌زدند بیشتر دنبال عدالت اقتصادی بودند. این مسئله باعث شد نویسندگان بیشتر به سراغ تقابل دو طبقه ثروتمند و فقیر بروند تا دغدغه‌ی عدالت‌جویی را در کار مطرح کنند. بعدها کم‌کم مفهومی به نام آزادی آمد که برتر از عدالت جایگاهی پیدا کرد. شاید به همین دلیل پرداختن به طبقه متوسط گسترش پیدا کرد چون در طبقه متوسط، دغدغه آزادی دغدغه‌ی مهم‌تری است نسبت به عدالت». در این گفتار، فرهادی افراد را سوای نسبتشان در مناسبات اقتصادی می‌بیند. او در این حالت قطبی شده هم تنها معلول‌ها را می‌بیند. عدالت اقتصادی و ارتقای تحصیلات و سطح فرهنگ طبقات فرودست، لازمه رسیدن به جامعه‌ای متعادل و به دور از تعارضات طبقاتی است. به بهانه آزادی، نمی‌توان چشم بر بی‌عدالتی‌های اقتصادی و به تبع آن بی‌عدالتی‌های اجتماعی فروبست.

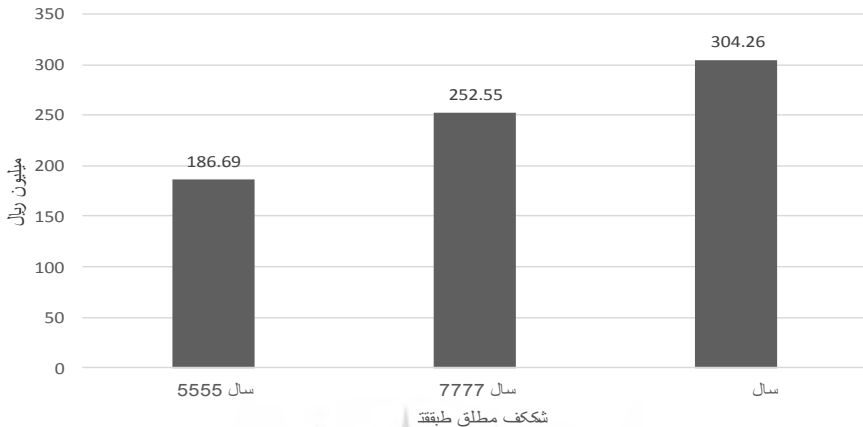
موردی که می‌توان آن را به شکلی دقیق‌تر بیان کرد، شکاف طبقاتی است که عموماً به این صورت بیان می‌شود که میزان کل هزینه‌های خانوار در دهک دهم یعنی مرفه‌ترین‌ها در مقایسه با دهک اول درآمدی یعنی تنگدست‌ترین‌ها را می‌سنجند و نسب آن دو را بیان می‌کنند. به این ترتیب نمودار شکاف نسبی طبقاتی به صورت نمودار ۴ است.

نمودار ۴- مقایسه شکاف نسبی طبقاتی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹



شکاف نسبی طبقاتی میان دهک بالایی و پایینی در سال ۱۳۸۷ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ کمتر شده و در سال ۱۳۸۹ به میزان اندکی نسبت به سال ۱۳۸۷ افزوده شده است. اما این بررسی نسبی شکاف طبقاتی به گفته دکتر فریبرز رئیس‌دانا در روزنامه همدلی مورخ ۱۷ آبان ۱۳۹۶، شماره ۷۳۷ «... گمراه‌کننده است و باید شکاف مطلق را اندازه‌گیری کرد؛ چراکه این نسبت‌ها نیستند که واقعیت زندگی مردم محروم را نشان می‌دهند. ... مسکن و آموزش و نیازهای اولیه را نسبت‌ها تعیین نمی‌کنند، بلکه واقعیت و آن خشونت عریان تعیین‌کننده است. خشونت‌ی که در محاسبه مطلق شکاف طبقاتی تجلی می‌یابد. ... این محاسبه مطلق است که مبتنی بر واقعیت شکاف طبقاتی است نه محاسبه نسبی». بر طبق محاسبه شکاف مطلق طبقاتی، میزان کل هزینه‌های خانوار دهک اول را از دهک دهم کم می‌کنیم.

نمودار ۵- مقایسه شکاف مطلق طبقاتی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹



در نمودار ۴ که بر اساس شکاف نسبی طبقاتی است، شاهد کاهش شکاف طبقاتی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ هستیم، در صورتی که در نمودار ۵ که بر اساس شکاف مطلق طبقاتی است شاهد بیشتر شدن اختلاف میان دهک اول و دهم در هر سال در مقایسه با سال قبلش هستیم. موردی که بیشتر با واقعیت زندگی هم‌خوانی دارد. وضع معیشتی طبقه متوسط نامساعدتر شده، ولی نکته‌ای که عیان است، به فلاکت افتادن دهک پایین درآمدی است. این مورد می‌تواند توجه‌گر نقش تهاجمی طبقات فرودست در فیلم جدایی نادر از سیمین باشد. با توجه به شکاف مطلق طبقاتی، وضع معیشتی فرودست‌ترین افراد جامعه که جزو دهک اول درآمدی هستند، به حالتی اسفناک درآمده است که شامل حاشیه‌نشینان، کارگران بی‌مهارت و کسانی که بر اساس حداقل دستمزد مصوب وزارت کار و امور اجتماعی حقوق می‌گیرند، می‌شود. تعارض این افراد با افراد مرفه‌تر جامعه، به دلیل مشکلات ساختاری و اقتصادی است و در این فیلم‌ها پوشیده مانده است. این حاصل طرز تلقی ایدئولوژیک گفتمان غالب است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- الکساندر، ویکتوریا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی هنرها*، ترجمه اعظم راودراد، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- بخشنامه وزارت کار و امور اجتماعی، مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵، به شماره‌نامه ۱۲۲۲۶۷، در مورد تصویب حداقل دستمزد روزانه کارگر.
- بخشنامه وزارت کار و امور اجتماعی، مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵، به شماره‌نامه ۱۵۱۶۵۵، در مورد تصویب حداقل دستمزد روزانه کارگر.
- بخشنامه وزارت کار و امور اجتماعی، مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۳، به شماره‌نامه ۱۳۱۵۳۵، در مورد تصویب حداقل دستمزد روزانه‌ی کارگر.
- بهداد، سهراب و نعمانی، فرهاد (۱۳۸۷)، *طبقه و کار در ایران*، ترجمه محمود متحد، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- روزنامه همدلی. چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۶. سال سوم، شماره ۷۳۷. گفتگو با دکتر فریبرز رئیس‌دانا.
- سالنامه آماری ایران (۱۳۸۵)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری، مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری ایران (۱۳۸۷)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری، مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری ایران (۱۳۸۹)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری، مرکز آمار ایران.

- گرامشی، آنتونیو (۱۳۷۷)، *دولت و جامعه مدنی*، ترجمه عباس میلانی، چاپ اول، تهران: انتشارات جاگرمی.
- مارکس، کارل و انگلس، فردریش (۱۳۵۸)، *خانواده مقدس: نقدی بر نقد نقادانه علیه برونو بائور*، ترجمه تیرداد نیکی، چاپ اول، تهران: انتشارات صمد، سازمان چاپ و پخش کتاب.
- مارکس، کارل و انگلس، فردریش (۱۳۷۷ الف)، *ایدئولوژی آلمانی*، ترجمه تیرداد نیکی، چاپ اول، تهران: شرکت پژوهشی پیام پیروز.
- مارکس، کارل (۱۳۷۷ ب)، *هیچ‌کدام برومر لوئی بناپارت*، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- مهرابی، مسعود (۱۳۹۵)، این دوررخ نهفته. گفتگو با اصغر فرهادی؛ درباره فیلم فروشنده و فکر و فیلم‌هایش. *ماهنامه فیلم*. شماره ۵۱۴. مهر، صص ۶۲-۱۰۴
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوییز (۱۳۹۲)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

- Althusser, L. (1971), *Lenin and Philosophy and Other Essays*, New York: Monthly Review Press.
- Fairclough, N. (1989), *Language and Power*, New York: Longman Group U.K. Limited.
- Fairclough, N. (1992), *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity Press in association with Blackwell Publishing Ltd.
- Wright, E. O. (2000), *Class Counts*, Cambridge University Press.